

The Relationship between the Tendency towards Commodity Smuggling and the Role of Cultural Homogeneity in Strengthening the Culture of Profitability and Weakening the Culture of Work

Boroumand Mirzaeipour

PhD Student in Cultural Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities,
Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran.
boroumandmirzaei1353@gmail.com

Soroush Fathi

Corresponding author, Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of
Humanities, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Iran.
fathi.soroush@gmail.com

Tahmores Shiri

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad
University, Central Tehran Branch, Iran. shiri.tahmores @ gmail.com

Abstract

This study aims at examining the relation between the tendency towards commodity smuggling and the role of cultural homogeneity in strengthening the culture of profitability and weakening the culture of work in border cities of Kermanshah the province. According to the nature of the subject and the intended objectives, the present research design is a descriptive survey research. The statistical population of the study is all the citizens who have been involved in commodity smuggling from 2019 to 2020 in the border cities of Kermanshah the province. Using Cochran's formula to determine the sample size, the acceptable number was 385 people who were selected through random selection sampling method. Structural equation modeling was used to investigate the main purpose of the research. Our collected data were then analyzed through SPSS version 22 and Lisrel modeling software. According to the obtained fit indices, it was found that the developed model has a good fit. Cultural homogeneity

showed a significant effect on increasing the tendency towards commodity smuggling. It means that cultural homogeneity has been able to mediate significantly between the culture of profitability and weakening the culture of work. The culture of profitability with a path coefficient of 0.68 and the cultural homogeneity between the two borders with a path coefficient of 0.71 had the highest coefficients of the influence of the path. The RMSEA index was within the standard and the model of tendency towards commodity smuggling and the culture of profitability and weakening the culture of work mediated by the cultural homogeneity between the two borders in the border cities of Kermanshah the province was fit. The highest coefficients of the influence of the path belonged to the culture of profitability (0.68), cultural homogeneity between the two borders (0.71), and weakening the culture of work (0.66). One of the practical results of this study is demonstrating the significant relation between the cultural homogeneity of the residents of the two bordering areas and the culture of profitability in these areas and how this homogeneity has brought about the tendency towards commodity smuggling in these areas. The model worked out of this study can be useful and effective in planning and implementing some educational programs and cultural preventive policies to decrease the tendency towards commodity smuggling in border areas.

Keywords: *Commodity smuggling, culture of profitability, weakening work culture, cultural homogeneity, border cities of Kermanshah the province*

رابطه گرایش به قاچاق کالا و نقش تجانس فرهنگی در تقویت فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار^۱

برومند میرزایی‌پور

دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران. boroomandmirzaei1353@gmail.com

سروش فتحی

نویسنده مسئول، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ایران. fathi.soroush@gmail.com

طهمورث شیری

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران. shiri.tahmores@gmail.com

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی رابطه گرایش به قاچاق کالا و نقش تجانس فرهنگی در تقویت فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار در شهرهای مرزی استان کرمانشاه است. پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف موردنظر، از نوع تحقیقات پیمایشی (توصیفی) از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش نیز کلیه ساکنین شهرستان‌های مرزی کرمانشاه است که از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۳۹۸ در شهرهای مرزی درگیر با گرایش به قاچاق بوده‌اند. از طریق فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه برای جامعه مورد مطالعه، تعداد نمونه قابل قبول برابر با ۳۸۵ نفر شدند که این تعداد نمونه به‌شیوه نمونه‌گیری اتفاقی انتخاب شدند. جهت بررسی هدف اصلی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار آماری SPSS و نرم‌افزار مدل‌سازی لیزرل استفاده شده است. طبق شاخص‌های برازش به‌دست آمده، مشخص شد که مدل تدوین شده از برازش مناسبی برخوردار است. تجانس فرهنگی بر افزایش گرایش به قاچاق کالا تأثیر معناداری دارد. بدین معنا که تجانس فرهنگی توانسته است بین فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار نقش میانجی‌گری خود را

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

به‌طور معنی‌داری ایفا کند. بیشترین ضریب تأثیر مسیر مربوط به فرهنگ سودآوری (ضریب مسیر=۰/۶۸) و تجانس فرهنگی بین دو مرز (ضریب مسیر=۰/۷۱) است. میزان شاخص RMSEA در حد استاندارد است و مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی استان کرمانشاه دارای برازش است. بیشترین ضریب تأثیر مسیر مربوط به فرهنگ سودآوری (ضریب مسیر=۰/۶۸) و تجانس فرهنگی بین دو مرز (ضریب مسیر=۰/۷۱) و تضعیف فرهنگ کار (ضریب مسیر=۰/۶۶) است. یکی از نتایج کاربردی این پژوهش رابطه معنی‌دار تجانس فرهنگی ساکنین دو منطقه مرز و نیز ارتباط آن با فرهنگ سودآوری موجود در مناطق مرزی است که در گرایش به قاچاق کالا در این پژوهش نقش تأثیرگذاری داشته است و مدل حاصل از این پژوهش می‌تواند در آموزش و پیشگیری فرهنگی در امر گرایش به قاچاق کالا در مناطق مرزی مفید و مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: قاچاق کالا، فرهنگ سودآوری، تضعیف فرهنگ کار، تجانس فرهنگی، شهرهای مرزی استان کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۳۰ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۸

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۸۵-۲۱۴

مقدمه

امروزه در مطالعات مربوط به بررسی علل زمینه‌ساز قاچاق بیشتر به مباحث اقتصادی توجه شده، ولی برای حل این موضوع و توجه به مسائل فرهنگی آن لازم است به مسائلی مانند فرهنگ اجتماعی جامعه، فرهنگ روانی جامعه، فرهنگ محیطی جامعه، فرهنگ مصرفی در جامعه، فقر فرهنگی و نهادینه شدن فرهنگ فقر، فرهنگ تقابل تاریخی ملت با دولت، فرهنگ سستی تجارت، فرهنگ مسافرت و سوغات، گسترش فرهنگ قانون‌گریزی و فساد و فقدان فرهنگ حمایت از مالکیت معنوی نیز توجه کرد. از طرف دیگر قاچاق کالا که از آن به‌عنوان یک پدیده شوم یاد می‌شود، دارای اثرات منفی بر اقتصاد فرهنگ و امنیت کشور است. نتایج منفی و تبعات و ابعاد گوناگون و زیان‌بار این پدیده به قدری مهم است که عدم توجه به آن باعث آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی می‌شود. لازمه توسعه اقتصادی کشورها، امنیت اقتصادی است. از جمله مواردی که امنیت اقتصادی یک کشور را به خطر می‌اندازد، قاچاق کالا است. قاچاق کالا از جمله پدیده‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی است که به نوعی از آن به‌عنوان اقتصاد پنهان یاد می‌شود و عبارت است از آنچه ورود آن به کشور یا معامله آن از طرف دولت ممنوع باشد. با توجه به نقش غیرقابل انکاری که این پدیده بر امنیت اقتصادی یک کشور دارد، در این پژوهش محقق به دنبال شناسایی عواملی است که منجر به ایجاد این پدیده می‌شود. اهمیت این پژوهش برای شناختن رابطه بین عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا در شهرهای مرزی استان کرمانشاه از آنجا مشخص می‌شود که به دلیل تجانس مردمان و ساکنین دو مرز ایران و عراق و نبودن آمایش اقتصادی - شغلی، مردم خود با استفاده از عوامل

فرهنگی به قاچاق کالا روی می‌آورند. گزارش رسمی کمیسیون صنایع مجلس، آمار سایت رسمی گمرکات جهانی مبنی بر رقم ۲۲ میلیاردی قاچاق به ایران را تایید می‌کند اما دولت می‌گوید این رقم ۱۲ میلیارد دلار است. هر یک میلیارد دلار قاچاق، ۵۰ هزار شغل را از بین می‌برد (تاری & غلامی باغی، ۱۳۸۹). براساس آمار سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی، آمار پرونده‌های قاچاق در سال (۱۳۹۷)، از ۷۵۳ فقره پرونده کالاهای قاچاق تشکیل شده‌است که بیشترین کشفیات مربوط به پلیس آگاهی کرمانشاه، هنگ مرزی و پلیس آگاهی پاوه بوده‌است. عمده‌ترین کالاهای مکشوفه به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱-مواد دخانی، ۲-آرایشی و بهداشتی، ۳-منسوجات، ۴-احشام قاچاق (سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی کرمانشاه، ۱۳۹۸: ۱). باتوجه به افزایش آمار قاچاق کالا در کشور، علل مختلفی می‌تواند در این پدیده دخالت کند مانند سودآوری، باورهای غلط فرهنگی، تجانس فرهنگی بین جوامع ساکن دو مرز لذا، امروزه عوامل گرایش به قاچاق کالا به‌عنوان یک معضل اساسی از ثمرات اقتصاد زیرزمینی و غیرقانونی بوده که نگرانی همگانی را در پی داشته و علاوه بر تأثیرات زیان‌بار بر تولید و صنایع داخلی، تعطیلی تعدادی از کارخانجات و اخلاف در شبکه اقتصادی کشور را نیز موجب شده‌است (تاری & غلامی باغی، ۱۳۸۹). بنابراین فرهنگ، گسترده‌ای از ارزش‌ها، باورها و هنجارهاست که در ساختار امنیت ملی از این جهت که عامل اقتدار و انسجام ملی است، نقش مؤثری دارد (Monjon & Quirion, 2010). قاچاق کالا و اهمیت مبارزه با آن، ساماندهی وضعیت مبادلات مرزی حرکت به سمت اقتصاد شفاف و تطبیق رفتار دستگاه‌های نظارتی بر مبنای اصلاحات انجام‌شده توسط دولت، از مهم‌ترین محورهای عملیاتی در جهت مبارزه با قاچاق کالا هستند (Tamura, 2010). بنابراین پژوهش حاضر با تأکید بر رویکرد فرهنگی سعی در تبیین علل فرهنگی مؤثر بر گرایش به قاچاق دارد. در صورت توجه به راهکارهای فرهنگی و پیشگیرانه و ایجاد شغل، نقش مؤثری در کاهش قاچاق خواهد داشت. بدیهی است که تدوین قوانین و حمایت از تجارت و تولید داخلی و توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی موجب تأمین امنیت عمومی به‌ویژه در مناطق مرزی خواهد شد. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که:

تدوین مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی کرمانشاه چگونه است؟

اهداف

هدف کلی

تعیین تدوین مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی استان کرمانشاه

اهداف جزئی

تعیین رابطه تجانس فرهنگی بین دو مرز و گرایش به قاچاق
تعیین رابطه فرهنگ سودآوری در گرایش به قاچاق
تعیین رابطه تضعیف فرهنگ کار در گرایش به قاچاق
تعیین برازش مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی استان کرمانشاه

سوالات تحقیق

آیا مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز (استان کرمانشاه) دارای برازش است؟

سؤال‌های جزئی تحقیق

میزان رابطه تجانس فرهنگی ساکنین بین دو مرز و گرایش به قاچاق چه اندازه است؟

میزان رابطه فرهنگ سودآوری در گرایش به قاچاق چه اندازه است؟
میزان رابطه تضعیف فرهنگ کار در گرایش به قاچاق چه اندازه است؟

روش تحقیق

این پژوهش؛ کاربردی و از نوع آمیخته است. در تحقیق حاضر ابتدا در بخش کیفی،

عوامل فرهنگی مؤثر بر گرایش به قاچاق در شهرستان‌های استان کرمانشاه شناسایی می‌شوند و در گام دوم در بخش کمی مدل استخراج‌شده از بخش کیفی آزمون می‌شود. در این تحقیق در بخش کیفی جهت استخراج مؤلفه‌ها و طراحی مدل از روش داده بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز کلیه شهروندان ساکن شهرستان‌های مرزی کرمانشاه هستند که در کار گرایش به قاچاق کالا به هر نحوی درگیر هستند. طرح پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف موردنظر، از نوع تحقیقات پیمایشی (توصیفی) از نوع همبستگی است. روش پژوهش ترکیبی در این پژوهش، روشی است که هر دو پژوهش کیفی و کمی را با هم ترکیب یا مرتبط می‌سازد. در طرح تحقیق آمیخته اکتشافی در این تحقیق ابتدا از طرق روش تحقیق کیفی اطلاعات موردنیاز درمورد شرایط علوی، مقوله محوری‌ها، زیرساخت‌ها، کنش‌ها و تعامل‌ها و پیامدها گردآوری می‌شود و روابط علی و همچنین شرایط زمینه‌ای آنان مشخص شد. در روش تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری باز، تولید مفاهیم اولیه، تولید مقوله هوای عمده، کدگذاری محوری و ارتباط علی بین مقوله‌ها، تعیین مقوله‌های فرآیندی، زمینه‌ای و فرآیندی کدگذاری گزینشی و انتخاب و تعیین مقوله هسته محوری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و الگوی به دست آمده، از آزمون خی دو (χ^2) و نرم افزار LISREL & SPSS استفاده شد.

مبانی نظری تحقیق

از مهم‌ترین نظریات موجود که بنیاد نظری این پژوهش را تشکیل داده است، مدل‌های نظری بوردیو^۱، دورکایم^۲، پترسون^۳ و ادوین. اچ. ساترلند^۴ هستند که هر کدام به نوعی با متغیرهای پژوهش حاضر در ارتباطند. فرهنگ؛ نمایشگر رفتارها و باورهای والا و جافتاده جامعه است و شامل آدابی است که الگو و اسوه اعمال افراد در جمع و نمایانگر روح هر جامعه است (عزتی & میرزایی پور، ۱۳۹۰). از جمله عواملی که

1. Pierre Bourdieu

2. Durkime

3. Pitersone

4. Advine h. saterlande

مراودات تجاری و قاچاق را به دنبال دارد، وجود اشتراکات و تجانس فرهنگی بین دو همسایه و مردمان دو مرز ایران و عراق است، تجانس فرهنگی و تبادلات فرهنگی ساکنین دو مرز ایران و عراق است که نقش تعیین کننده در مراودات و تبادلات اقتصادی و قاچاق کالا ایفا می کند (آرمند & رسولی نژاد، ۱۳۹۴).

نظریه تجانس فرهنگی بوردیو

براساس نظریه بوردیو هرگونه اشتراکات فرهنگی می تواند تجانس فرهنگی را براساس نژاد و قبیله و طایفه، براساس تشابهات و یکنواختی اجتماعی ایجاد کرده و براساس همزمانی موقعیت مکانی - جغرافیایی ایجاد کند، که ازطرف دیگر تقابل اجتماعی، ساختار تشکلات جامعه شناختی، ضد دوگانه انگاری است. این عقیده سعی می کند تا تضادها را که تمایزکننده خطوط دائمی تعیین شده در مباحث بنیادی در جامعه شناختی است، حذف کند. خطی که بین شیوه های عینی گرایی و ذهنی گرایی نظریه پردازی، بین ابعاد مادی و نهادی زندگی اجتماعی و نیز بین سطح تحلیلی و تفسیری، همزمانی در سطح کلان، تعریف و طراحی شده است. بوردیو معتقد است تجانس فرهنگی می تواند مقدمات مراودات رفتاری تجاری و اقتصادی را براساس فرهنگ مشترک در دو موقعیت جغرافیایی ایجا کرده و همین امر مشترکات آنان را بیشتر تقویت کند لذا ایشان کارکردهای اجتماعی فرهنگ و سلطه حکومت های موجود را در جوامع امروزی و تصویر مدل واری از کاربرد مفاهیم سه گانه ساختمان ذهنی، سرمایه و زمینه نشان می دهند. بنابر تئوری ایشان، پافشاری بر علیت اقتصادی در شکل گیری طبقات، با شناخت وبری درباره تمایز و اختلاف نظم اجتماعی - فرهنگی، با مسئله مورد توجه دیدگاه دورکیم در مورد طبقه بندی آمیخته شده است. جدای از بیان برخی حس پذیری های فردی، داوری زیباشناختی یک توانایی اجتماعی است که از تربیت و پرورش طبقاتی ناشی می شود. پی بردن به ارزش تبادلات و تجانس فرهنگی براساس این پیش فرض است که فرد بر کدهای نمادین خاصی مهارت یافته است که این امر، خود نیازمند دراختیارداشتن نوع مناسبی از سرمایه فرهنگی است (عزتی & میرزایی پور، ۱۳۹۰). به عقیده بوردیو حس فرهنگی مشابه و اشتراکی یک واقعیت عملکردی

است که یکی از کارکردهای آن، این است که به افراد، ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی - اقتصادی مشترک ارائه می‌کند. حس فرهنگی مشترک، آن‌هایی را که سلیقه‌های همسانی دارند، به هم نزدیک‌می‌سازد و آن‌ها را از کسانی که حس و هیجان متفاوتی دارند، متمایز می‌کند. از این رو انسان‌ها از طریق کاربردها و دلالت‌های عملی، ذائقه چیزها را طبقه‌بندی می‌کنند و در این فراگرد خودشان را نیز طبقه‌بندی می‌کنند. مثلاً آدم‌ها را برحسب ذائقه‌هایی که از خودشان نشان می‌دهند و با ترجیح قائل شدن‌هایشان برای انواع متفاوت مصرف کالا می‌توان دسته‌بندی کرد. دو زمینه مرتبط است که در بررسی بورديو از سلیقه دخالت دارد. نخست روابط طبقاتی و بعد روابط فرهنگی، لذا ایشان فرهنگ را مانند نوعی تقابل اکونومیک یا بازار تعریف می‌کند. در این بازار، انسان‌ها بیشتر سرمایه فرهنگی از خود مایه می‌گذارند تا سرمایه اقتصادی. این سرمایه از خاستگاه طبقه اجتماعی و تجارب آموزشی مردم سرچشمه می‌گیرد (احمدی، ۱۳۷۹). بنابر تئوری اجتماعی بورديو مشترکات و تجانس فرهنگی بین دو همسایه و ساکنین دو مرز ایران و عراق دامنه با مساحت بسیاری را شامل می‌شود که از حدود مرزهای نژادی و سیاسی کنونی عبور کرده‌است. یکی از مناطقی که در حوزه وسعت فرهنگی کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد و این تجانس در موقعیت‌های کنونی دو کشور عراق و ایران می‌تواند در گرایش به قاجاق مؤثر باشد و مراودات تجاری را به انواع مختلف افزایش دهد. از طرف دیگر علاوه بر بورديو، سودآوری و نیاز به بهره‌وری اقتصاد فردی و خانوادگی افراد درصد درآمد بیشتر را برای ساکنین دو مرز بخصوص نبود شغل و آمایش اقتصادی در دو سوی مرز بر گرایش قاجاق دامن زده‌است (احمدی، ۱۳۷۹).

نظریه فرهنگ سودآوری دورکایم

دقت به وضعیت اجتماعی کشورمان که مورد اجماع بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی است، بین تئوری آنومیسیم امیل دورکیم و مورتن^۱ از نظر تأکید بر آرزوها و اهداف و وسایل دستیابی به آن‌ها، اهمیت زمان و سرعت تغییرات، انسان‌شناسی

1. Anomey of mortan & dourkime

و منشأ آرزوها و خواسته‌ها، تأکید بر پایه اخلاقی در برابر پایه هنجاری نظم، اثر طبقه اجتماعی بر آنومی و گستره و جامعیت تبیین تفاوت وجود دارد. درحالی‌که آنومی از نظر دورکیم با آرزوهای نامحدود مشخص می‌شود، مرتن به کمبود وسایل متعارف و عرفی برای رسیدن به اهداف و آرزوهای محدود و حتی تجویز شده اشاره دارد. لذا زمان و سرعت تغییرات برای دورکیم عامل تعیین‌کننده است؛ اما مورتن اساساً به زمان توجه ندارد. دورکیم هم به آنومی حاد و هم به آنومیسم مزمن دقت و گرایش داشت، اما مرتن صرفاً به آنومیسم مزمن پرداخت و به‌همین دلیل موضوع سرعت تحولات از دستور کار او خارج شد. مرتن برخلاف دورکیم، جاه‌طلبی و فزون‌خواهی را ذاتی بشر نمی‌دانست، بلکه آن را متأثر از فرهنگ جامعه می‌دانست. دورکیم به پایه اخلاقی نظم و مرتن به پایه هنجاری نظم توجه داشت. دورکیم معتقد است طبقات بالاتر، بیشتر مستعد آنومی و پیامدهای آن همچون خودکشی هستند؛ اما مورتن برخلاف دورکیم بر این باور است که دست پیدا کردن به اهداف و آمال انسانی و درونی برای اکثر افراد به‌طور مساوی فراهم نیست و از این جنبه طبقه پایین اجتماع، فشار بیشتری را تحمل می‌کنند، بنابراین بیشتر احتمال دارد دست به جرم و جنایت بزنند یا درگیر سایر انواع انحراف و ناهم‌نوایی بشوند (عزتی & میرزایی پور، ۱۳۹۰). همچنین براساس فرهنگ سودآوری دورکیم، سودآوری اقتصادی عامل مهمی برای گرایش به امر قاچاق به دور از فرآیندهای قانونی و گمرکی شده‌است (نوری، ۱۳۸۵).

نظریه تجمل‌گرایی، سبک زندگی پترسون

در نظریه تجمل‌گرایی، سبک زندگی پترسون، اکثر اجتماعات قشر میانی به استفاده از کالاهای کشورهای صنعتی پرزرق و برق دار فرهنگی تمایل نشان می‌دهند؛ بنابراین قاچاق نیز جزو کالاهایی است که از نظر پترسون لزوماً از مدل بوردیوی در مصرف تبعیت نکرده‌اند. ایشان بر این باور است که در دوران جدید، مدل مصرفی علاوه بر تغییر، بیشتر نیز شده است که دیگر افراد طبقات بالا را به داشتن یک الگوی مصرف مشخص محدود نکرده‌است. او این مدل مصرف را همه‌کاره بودن عنوان می‌کند. در چنین مدل مصرف جدیدی، طبقات بالا از همه انواع فرهنگ‌ها و هنرها استفاده

می‌کنند و به سلسله‌مراتب ژانرهای فرهنگی بی‌اعتنا هستند، ملاحظات زیبایی‌شناختی که بر مبنای شرایط فردی توصیف و بسط داده شده‌اند، سوق دادن زندگی و قضاوت سلیقه‌ها را برعهده می‌گیرند، هادلستون چنین تحولی را زیباشناختی شدن زندگی روزمره می‌خواند و به معنای نفی جداسازی ارزشی میان انواع فرهنگ‌های اجتماعی امروزی است (دهدشتی شاهرخ & همکاران، ۱۳۸۹).

نظریه تضعیف فرهنگ کار و فقر فرهنگی ادوین. اچ. ساترلند

ادوین. اچ. ساترلند از اعضای مکتب شیکاگو، جرم را از منظر فرهنگی - اقتصادی تضعیف فرهنگ کار و فقر فرهنگی نامیده است و آن را در کشورهای جهان سوم به عنوان یک آسیب اجتماعی - اقتصادی به‌ویژه در گرایش به قاچاق می‌توان تفسیر کرد. مفهوم تفاوت ارتباطات، بسیار ساده است، در جامعه‌ای که دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون متعددی است، برخی مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند، در محیط‌های اجتماعی معمولاً افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبه‌کارانه هستند، بزه‌کار یا تبه‌کار می‌شوند (نوری، ۱۳۸۵). ساترلند و کرسی، اصول و فرایندی ۹ مرحله‌ای برای تبیین رفتار بزه‌کارانه از جمله انحرافات اجتماعی مطرح می‌کنند: رفتار بزه‌کارانه یادگرفتنی است: یعنی موروثی و تقلیدی نیست و کسی که بزه‌کاری یادنگرفته باشد، نمی‌تواند رفتار بزه‌کارانه داشته باشد. تجانس فرهنگی و پیوستگی گردد و کردستان به‌ویژه کردستان عراق با فرهنگ و تمدن ایرانی موضوع مهمی است که براساس عناصر بنیادی متعددی همانند: نژاد، زبان، دین و آیین، آداب و رسوم اجتماعی، آثار باستانی و سیر تحولات سیاسی قابل مطالعه و بررسی است. یکی از ارکان اساسی پیوندهای فرهنگی کردها و از جمله کردهای عراق با ایران و ایرانیان، موضوع پیوستگی نژادی و مذهبی است. دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی ریشه‌ی نژادی کردها وجود دارد که بعضی از آن‌ها جنبه‌ی اسطوره و افسانه‌ای دارند و برخی نیز مبتنی بر رویکردی تاریخی و به استناد شواهد و کاوش‌های باستان‌شناسی و یافته‌های علمی هستند. برآیند این تحقیق نشان داد که آنچه بیش از هر چیز دارای اهمیت است، تأکید و توجه بر استمرار روابط و تأکید بر مشترکات فرهنگی و پیوستگی نژادی است که کردهای عراق با ایرانیان داشته

و ضروری است که این پیوندها ارتقایابند (دهدشتی شاهرخ & همکاران، ۱۳۸۹). ازطرف دیگر عوامل نظری زمینه ساز قاچاق کالا سبک زندگی امروزی است. سبک های زندگی محصول منظم سرمایه فرهنگی هستند که به نوبه خود، به نظام هایی از نشانه تشخیص اجتماعی تبدیل می شوند. شرایط ساختی و سرمایه های فرهنگی مبنایی است که توزیع سرمایه، یعنی ترازنامه روابط قدرت را، به نظامی از تفاوت های احساس شده و خصوصیات متمایز، یعنی توزیع سرمایه مشروع، متحول می سازد (کهنه پوشی، ۱۳۹۱). ازطرف دیگر پدیده قاچاق به عنوان یک معضل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که منجر به سوق دادن ابعاد و وجوه مختلف یک کشور به سمت وضعیت بحرانی می شود، ریشه ها و دلایل مختلفی دارد که در ابعاد مختلفی می توان به آن پرداخت. همواره قاچاق به بخش های مختلف کشور صدمه و آسیب های ناگواری وارد کرده است، لذا برای کاهش و از بین بردن این پدیده در گرایش به قاچاق کالا، عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، سیاسی و فرهنگی سهم دارند. بالا بودن مآخذ حقوق ورودی بسیاری از کالاها و محدودیت ها و ممنوعیت هایی که برای واردات اعمال می شود، دلیل اصلی قاچاق است (پژویان & مداح، ۱۳۸۵). لذا تغییر شیوه زندگی بر فرهنگ ساکنین دو مرز ایران و عراق تأثیر گذاشته و سبک زندگی یکی از مؤلفه های کلیدی مفاهیم علوم اجتماعی نوین به شمار آمده و در بررسی های اجتماعی و فرهنگی معاصر به تدریج جایگاه خاصی یافته است (محمدعلی & رسولی نژاد، ۱۳۹۴).

منطقه جغرافیایی پژوهش

استان کرمانشاه با مساحت ۲۵،۰۰۹ کیلومترمربع، ۱،۵ درصد از کل مساحت کشور را به خود اختصاص داده است و دارای سیزده شهرستان با نام های اسلام آبادغرب، سرپل ذهاب، سنقر، هرسین، کنگاور، جوانرود، صحنه، پاوه، گیلانغرب، روانسر، دالاهو، قصرشیرین و ثلاث باباجانی است. از استان کرمانشاه به عنوان شاهراه ارتباطی شرق و غرب یاد می شود و در ۲۰۰ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار گرفته است. طبق آخرین سرشماری، استان کرمانشاه، جمعیتی بالغ بر ۹۴۶،۶۵۱ نفر را در خود جای داده است (عزتی & میرزایی پور، ۱۳۹۰).



شکل ۱. نقشه ارتباطی مسیر قاچاق کالا از شهرستان‌های مرزی و شهر کرمانشاه

مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور

پیشینه پژوهش

چون تاکنون در ایران تحقیق مشابه این پژوهش در مورد عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا به صورت مدل ارائه و انجام نشده است لذا مطابق اصول روش تحقیق در پیشینه تاریخی نزدیک‌ترین پیشینه‌های پژوهش که به متغیرهای تحقیق حاضر همخوانی و نزدیکی محتوایی داشته‌است، اشاره شده‌است.

پورنقدی در سال ۱۳۹۴ تحقیقی با عنوان رویکرد رسانه‌های بیگانه به قاچاق کالا و تهدیدهای نظم و امنیت در مناطق مرزی استان کردستان انجام داده‌است. دولت با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های ذی‌ربط می‌تواند در مناطق مرزی با نهادهای امنیتی و انتظامی به مبارزه با پدیده قاچاق کالا و تهدیدهای نظم و امنیت مرزهای استان کردستان جهت تحقق توسعه پایدار بپردازد. مهم‌ترین راهکار مبارزه با قاچاق کالا در مناطق مرزی، توسعه پایدار سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و طرح‌های اقتصادی و مشارکت مردمی ساکنین مرز در حوزه نظم و

امنیت با نهادهای امنیتی و انتظامی است.

در تحقیقی که توسط راموز و شعاعی شهرضا در سال ۱۳۹۷ تحت عنوان، پژوهش درباره عواقب گرایش به قاچاق کالا و ارز بر فرهنگ اجتماعی مردمان مرزنشین انجام شده است، نتایج نشان داد که، قاچاق کالا و ارز یکی از مسائل اصلی است که کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای کمتر توسعه یافته با آن دست به گریبان هستند. از یک سو کشور ما به عنوان یک کشور در حال پیشرفت با پدیده قاچاق کالا و ارز به عنوان یک مشکل ملی مواجه است که حاصل آن پیامدهای ناگوار در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. از سوی دیگر، بررسی فرآیند توسعه در جمهوری اسلامی ایران، بیانگر چالش های هویتی در فرآیند توسعه است. به این معنا که در فرآیند توسعه و پیشرفت جامعه ایران، عوامل بیرونی و درونی گوناگونی منجر به ایجاد چالش های هویتی در این حوزه شده اند، به همین منوال امروزه پدیده قاچاق کالا و ارز در فرآیند توسعه و پیشرفت به عنوان چالشی اساسی در امر هویت فرهنگی و دینی جامعه ایران در سطح ملی قلمداد می شود (راموز & شعاعی شهرضا، ۱۳۹۷).

هارت (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان مطالعه تجربی رابطه بین عوامل فرهنگی و الگوهای مصرف کالا تلاش کرده است تا به بررسی الگوهای مصرف مشتریان از ابعاد فرهنگی بپردازد. ارگین (۲۰۱۲) تاثیر قاچاق بر اقتصاد کشورها، در بخشی از کسب و کار و صنعت، بی تفاوتی اولیه در برخورد با جعل، تقلب و قاچاق، عدم وجود چارچوب قانونی و نظارتی مشخص و قابل اجرا، اجرای بی اثر مقررات و فقر هماهنگی میان سازمان های نظارتی باعث گسترش هرچه بیشتر قاچاق می شود.

در تحقیقی که توسط (Monjon & Quirion, 2010) تحت عنوان عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر قاچاق کالا در مناطق مرزی کشورهای آمریکای لاتین انجام شد، نتایج نشان داد که زبان و تجانس فرهنگی ساکنین دو مرز، بیشترین نقش را در این فرآیند ایفا کرده است. لذا باورهای فرهنگی و تغییر رفتار به سودآوری در ساکنین این مناطق مشترک مرزی به عنوان عامل اصلی تغییر نگرش به تغییر رفتار در امر

قاچاق را به دنبال داشته است. کومار^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی ملی‌گرایی و خرید کالاهای خارجی پرداخته‌اند. آنان به عنصر فرهنگی اشاره ویژه‌ای کرده‌اند بدین صورت که در پایان تحقیق محققان بیان کردند که آرزوی داشتن یک زندگی همانند فرهنگ‌های غربی باعث می‌شود، مصرف‌کنندگان در کشورهای در حال توسعه اغلب سعی کنند راه و رسم غربی‌ها را به وسیله خرید مارک‌های خارجی تقلید کنند. در تحقیقی که توسط برادبری^۲ در سال (۲۰۱۰) در کشور کانادا تحت عنوان نقش تجارت آزاد و فرهنگ دو مرز انجام شد، نتایج نشان داد که، عوامل فرهنگی مشترک و نیز تجانس فرهنگی دو مرز، عامل گرایش به تجارت آزاد و نیز قاچاق کالا خارج از عرف گمرک عنوان شده است. در تحقیق حاضر متغیرهای اصلی فرهنگی به ویژه تجانس فرهنگی ساکنین دو مرز که در قاچاق کالا در مناطق مرز دخالت دارد به صورت یک‌جا و با هم مورد تحقیق در یک مدل معنادار بررسی شده است که در پژوهش‌های گذشته این رویداد و همزمانی چندین متغیر فرهنگی در گرایش به قاچاق کالا مورد بررسی و پژوهش واقع نشده است، بنابراین این تحقیق، خلأ موجود را جبران کرده و علاوه بر شناسایی عناصر فرهنگی قاچاق کالا در شهرهای مرزی کرمانشاه، نقش فرهنگی هر متغیر را در قاچاق کالا مدنظر قرار داده است. لذا از این نظر، تحقیق جدید بوده و از نظر ارائه مدل کمی و کیفی دارای نوآوری است.

مبانی روشی تحقیق

طرح پژوهش حاضر باتوجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، از نوع تحقیقات پیمایشی (توصیفی) از نوع همبستگی است. روش پژوهش ترکیبی در این پژوهش، روشی است که هر دو پژوهش کیفی و کمی را با هم ترکیب یا مرتبط می‌سازد. این روش مستلزم مفروضات فلسفی، استفاده از رویکردهای کیفی و کمی و ترکیب این دو رویکرد در یک مطالعه است؛ بنابراین، روش پژوهش ترکیبی چیزی بیش از گردآوری و تحلیل هر دو نوع داده است، این مطالعه

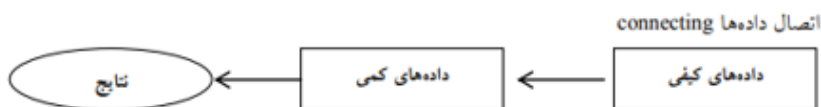
1. komar

2. Bradbury

مستلزم استفاده همزمان از هر دو نوع رویکرد است، به طوری که نقطه قوت کلی چنین مطالعه‌ای به تنهایی بیش از پژوهش کمی یا کیفی است (کروس ول و همکاران^۱، ۲۰۰۷).

نمونه‌گیری در نظریه داده بنیاد

شیوه نمونه‌گیری پژوهش نمونه‌گیری در دسترس است و از طریق فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.



n: حجم نمونه، t: ضریب اطمینان که برابر است با ۱/۹۶؛ احتمال وجود صفت در جامعه: ۰/۵؛
q: احتمال عدم وجود صفت در جامعه: ۰/۵؛ d: (دقت مطلوب برای تعمیم نتایج نمونه به جامعه): ۵٪

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} \cong 385$$

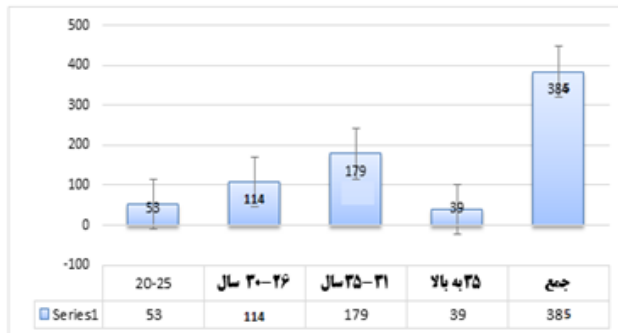
که در نهایت $n = 385$ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

روش انجام پژوهش

پرسشنامه محقق ساخته با روایی محتوایی از نظر متخصصین و اعتبار ۰/۸۲ به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه شده است. ابتدا با استفاده از روش مصاحبه به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد تا براساس آن‌ها به شناسایی حیطه‌های اصلی مشکلات پرداخته و پرسشنامه سپس طرح تحقیق را تدوین کند. پس از آن، با پیمایشی، داده انجام روش تحقیق توصیفی را گردهم‌آوری می‌کند. در صورتی که پژوهشگر بخواهد، برای بررسی یک مسئله با تدوین یک ابزار اندازه‌گیری، به مشاهده متغیرهای کمی بپردازد، لازم است در مرحله اول، داده‌های کیفی را گردآوری کند تا ابزار اندازه‌گیری ساخته شود، سپس، در مرحله بعد با استفاده از ابزار یادشده، داده‌های کمی را گردآوری می‌کند.

یافته‌های کاربردی پژوهش و تحلیل آن‌ها

یافته‌های توصیفی



نمودار ۱. وضعیت سنی پاسخ‌دهندگان

باتوجه به نمودار سنی موجود در پرسشنامه‌ها مشخص شد که از تعداد ۳۸۵ نفر گروه نمونه، ۱۷۹ نفر در دامنه سنی ۳۱-۳۵ سال قرار داشتند و تعداد ۱۱۴ نفر در دامنه سنی ۲۶-۳۰ سال و ۳۹ نفر در دامنه سنی ۳۵ به بالا و ۵۳ نفر در دامنه سنی ۲۰-۲۵ ساله قرار دارند.

وضعیت نرمال بودن متغیرهای اصلی

آزمون نرمال بودن، با ایجاد یک نمودار احتمال نرمال بودن (به شکل زنگوله و نیز مقارن نسبت به میانگین)، به آزمون این فرض می‌پردازد که آیا مشاهدات پژوهش از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند یا خیر. بسیاری از مشخصه‌های انسانی مانند هوش، نگرش‌ها و شخصیت در جمعیت (جامعه) دارای توزیع نسبتاً نرمال هستند. اهمیت آشنایی و سنجش نرمال بودن توزیع داده‌ها در این است که برخی روش‌های آماری مانند همبستگی پیرسون، آزمون‌های t و آزمون تحلیل واریانس بر فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها (در جامعه) استوارند.

جدول ۱. مقادیر آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت ارزیابی نرمال بودن متغیرها

متغیر	آماره	سطح معنی‌داری
تجانس فرهنگی بین دو مرز	۱/۱۷	۰/۱۴۴

فرهنگ سودآوری	۱/۱۵	۰/۱۴۱
تضعیف فرهنگ کار	۱/۲۰	۰/۱۱۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف بیانگر این است که فرض توزیع نرمال متغیرها را نمی‌توان رد کرد ($P > ۰/۰۰۱$) سطح معنی داری به دست آمده برای تمامی متغیرها بیشتر از مقدار $۰/۰۰۱$ است. در مجموع نتایج نشان از این دارد که توزیع متغیرهای اصلی، انحراف قابل توجهی از توزیع نرمال ندارد و می‌توان توزیع متغیرهای پژوهش را نرمال یا نزدیک به نرمال ارزیابی کرد و از آزمون‌های پارامتریک بهره برد. (کریمی، ۱۳۹۴).

جدول ۲. اعتبار خرده‌آزمون‌های پرسشنامه‌های اجرا شده در پژوهش

متغیر	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
تجانس فرهنگی بین دو مرز	۸	۰/۸۲
فرهنگ سودآوری	۷	۰/۷۵
تضعیف فرهنگ کار	۸	۰/۸۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آمار استنباطی

جنبه‌ی مهم استنباط آماری در بر داشتن گزارش از صحت احتمالی یا درجه‌ی اطمینان از آماره‌ی نمونه‌ای است که مقدار پارامتر جمعیت را پیشگویی می‌کند. در ادامه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون خی دو به آزمون فرضیه‌ها و روابط پژوهش پرداخته شد.

میانجی‌گری تجانس فرهنگی

نتایج حاکی از این است که تجانس فرهنگی بر افزایش گرایش به قاچاق کالا تأثیر معنی داری دارد ($P < ۰/۰۵$). بدین معنا که تجانس فرهنگی توانسته است بین فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار نقش میانجی‌گری خود را به طور معنی داری ایفا کند. شدت تأثیر تجانس فرهنگی بر فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار در مرحله اول برابر با $۰/۱۱۸$ و معنی دار است. تجانس فرهنگی بر گرایش به قاچاق کالا از طریق تجانس فرهنگی قابل پیش‌بینی است.

جدول ۳. بررسی اثر میانجی‌گری تجانس فرهنگی در رابطه با تجانس فرهنگی بر فرهنگ سودآوری و

تضعیف فرهنگ کار

نوع روابط		مقدار b	خطای استاندارد b	ضریب استاندارد (Beta)	مقدار T	سطح معنی داری
مرحله ۱	گرایش به قاچاق کالا بر فرهنگ سودآوری	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۱۱۸	۲/۹۳	۰/۲۳
مرحله ۲	گرایش به قاچاق کالا بر تضعیف فرهنگ کار	۰/۱۸	۰/۰۰۶	۰/۰۱۱	۱/۴۵	۰/۰۱۵
مرحله ۳	تجانس فرهنگی بر فرهنگ سودآوری	۰/۰۸۴	۰/۰۳۵	۰/۱۲۳	۲/۴۷	۰/۰۱۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

گرایش به قاچاق کالا براساس متغیر تجانس فرهنگی دو مرز در رابطه با فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار قابل‌پیش‌بینی است.

جدول ۴. شاخص‌های مربوط به مسیرهای مدل عوامل فرهنگی و پیامدهای قاچاق در گرایش به آن

شاخص	ضرایب β	ضرایب استاندارد شده β	نسبت T	سطح (P)	شاخص بر ارزش RSMEA
تجانس فرهنگی بین دو مرز به گرایش به قاچاق کالا	۰/۷۱	۰/۷۱	۸/۱۹	$P \leq 0/00$	$RSMEA \leq 0/0001$ معنادار است.
تضعیف فرهنگ کار به گرایش به قاچاق کالا	۰/۶۶	۰/۶۶	۹/۵	$P \leq 0/00$	$RSMEA \leq 0/0001$ معنادار است.
فرهنگ سودآوری به گرایش به قاچاق کالا	۰/۶۸	۰/۶۸	۹/۲	$P \leq 0/00$	$RSMEA \leq 0/0001$ معنادار است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

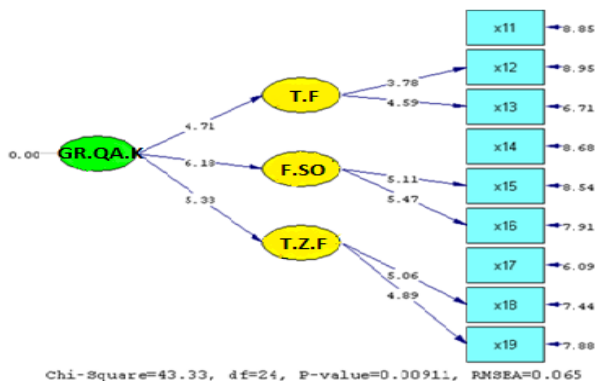
بررسی مسیر اول مدل: مقدار ضریب بتا مسیر اول برابر با ۰/۷۱ است و مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. پس می‌توان گفت تجانس فرهنگی بین دو مرز در گرایش به قاچاق کالا مؤثر است.

بررسی مسیر دوم مدل: مقدار ضریب بتا مربوط به مسیر ششم برابر با ۰/۶۶ و مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ بنابراین تضعیف فرهنگ کار در قاچاق کالا تأثیرگذار است.

بررسی مسیر سوم مدل: مقدار ضریب بتا مربوط به مسیر هشتم برابر با ۰/۶۸ و مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ بنابراین توجه فرهنگ سودآوری در قاچاق کالا تأثیرگذار است.

بررسی مسیر چهارم مدل: مقدار ضریب بتا مربوط به مسیر نهم برابر با ۰/۰۸۷ و مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ بنابراین توجه رسانه‌ها در قاچاق کالا تأثیرگذار است. باتوجه به الگوی تفسیری در مدل‌سازی معادلات ساختاری، مقدار ضریب بتا برای همه مسیرها در سطح ۹۹ درصد معنادار است. مقادیر t محاسبه شده بین

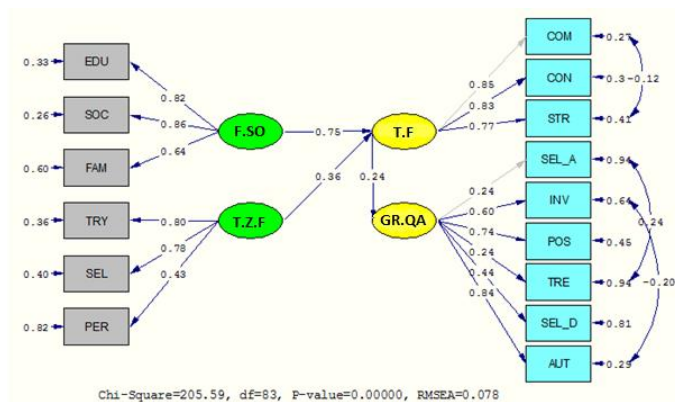
تمامی متغیرهای مستقل و وابسته موجود در مدل بزرگ‌تر از ۲,۵۸ بوده و در سطح ۹۹ درصد معنادار هستند و به عبارتی مناسب بودن مدل ساختاری را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز (استان کرمانشاه) براساس ضرایب استاندارد (تجانس فرهنگی (T.F)، تضعیف فرهنگی (T.Z.F) و فرهنگ سودآوری (M.SO).

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شکل ۲: استاندارد مؤلفه‌های شاخص‌های مربوط به مسیرهای مدل عوامل فرهنگی و پیامدهای قاچاق در گرایش به آن، تحلیل عاملی مرتبه دوم در حالت معنی‌داری (ارتباط بین متغیرهای اصلی مدل). مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم را در حالت معناداری مقادیر (t-value) نشان می‌دهد. این مدل درواقع تمامی معادلات اندازه‌گیری مرتبه اول و دوم (بارهای عاملی) را با استفاده از آماره T آزمون می‌کند (یادآوری می‌شود که اگر مقدار قدر مطلق آماره‌ی T بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد، معنی‌دار است).



شکل ۳: مدل چهار عاملی گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری
تجانس فرهنگی بین دو مرز (استان کرمانشاه) (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

جدول ۵. مشخصات مدل جدید پژوهش

شاخص برازندگی الگو	χ^2	df	$\frac{\chi^2}{df}$	P-VALUE	GFI	AGFI	CFI	CMIN	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۲۰۵/۵۹	۵۸۳	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۵	۲/۲	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۰۷۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

باتوجه به خروجی لیزرل مقدار بودن مدل است. باتوجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 مجذور کای به درجه آزادی برابر ۲/۴۶ که مقدار مناسب است. پایین بودن میزان این شاخص نشان‌دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی پژوهش با داده‌های مشاهده‌شده تحقیق است. همچنین خروجی میزان RMSEA برابر ۰/۰۵، برای مدل نشان‌می‌دهد که کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۸ است. علاوه بر χ^2 ، هرچه میزان شاخص RMSEA کمتر باشد، مدل از برازش مناسب‌تری برخوردار است. بنابراین: مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی استان کرمانشاه دارای برازش است.

جدول ۶. نتایج تحلیل مدل ساختاری

عنوان فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	مقدار بحرانی T	نتیجه
فرضیه اول	تجانس فرهنگی بین دو مرز	گرایش به قاچاق کالا	۰/۷۱	۸/۱۹	تأیید فرضیه
فرضیه دوم	تضعیف فرهنگ کار	گرایش به قاچاق کالا	۰/۶۶	۹/۵	تأیید فرضیه
فرضیه سوم	فرهنگ سودآوری	گرایش به قاچاق کالا	۰/۶۸	۹/۲	تأیید فرضیه
فرضیه چهارم	برازش مدل RSMEA	گرایش به قاچاق کالا	۰/۰۷۸	۵/۳۵	تأیید فرضیه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برآیند متغیر باتوجه به T بحرانی معنی دار است زیرا از ۱/۹۶ بزرگتر هستند، بنابراین همه متغیرها همدیگر را پیش‌بینی کرده‌اند و بنابراین در فرضیه ۵ مدل دارای برازش است چون متغیرهای پیش‌بین اثرات خود را بر متغیر ملاک به‌صورت مثبت و مؤثر انتقال داده است. براساس نتایج ارائه‌شده در جدول فوق، مشخص شد که:

تجانس فرهنگی بین دو مرز، تأثیر مثبت (ضریب مسیر = ۰/۷۱) و معنادار (مقدار بحرانی = ۸/۱۹ و بزرگتر از ۱/۹۶) بر نشانگرهای عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا دارد. از این رو فرضیه اول پژوهش حاضر مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد.

تضعیف فرهنگ کار، تأثیر مثبت (ضریب مسیر = ۰/۶۶) و معنادار (مقدار بحرانی = ۹/۵ و بزرگتر از ۱/۹۶) بر عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا دارد. درنتیجه فرضیه ششم پژوهش حاضر مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد.

فرهنگ سودآوری، تأثیر مثبت (ضریب مسیر = ۰/۶۸) و معنادار (مقدار بحرانی = ۹/۲ و بزرگتر از ۱/۹۶) بر عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا دارد. درنتیجه فرضیه هشتم پژوهش حاضر مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد.

بنابراین فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفته‌اند، یعنی:

بین تجانس فرهنگی بین دو مرز و گرایش به قاچاق رابطه وجود دارد.

بین فرهنگ سودآوری در گرایش به قاچاق رابطه وجود دارد.

بین تضعیف فرهنگ کار در گرایش به قاچاق رابطه وجود دارد.

مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی استان کرمانشاه دارای برازش است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی

پژوهش حاضر با هدف رابطه گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با تجانس فرهنگی انجام شد. از این رو تعداد ۳۸۵ نفر نمونه‌ای مرکب از اعضای جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تحقیق حاضر منتج به مدلی شد که عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا را مورد ارزیابی و پشتیبانی قرار داده‌است. مدل این پژوهش دارای نیکویی برازش است؛ زیرا کلیه نشانگرهای مدل با

نشانگرهای برآزش استاندارد مطابقت دارد. عوامل فرهنگی به دست آمده در این پژوهش مانند: نشانگرهای تجانس فرهنگی بین دو مرز، فرهنگ سودآوری، تضعیف فرهنگ کار با گرایش به قاچاق کالا در شهرهای مرزی استان کرمانشاه ارتباط داشته و این عوامل تداوم بخش امر قاچاق هستند و به صورت یک هنجار مشابه در شهرهای مرزی بدل شده است. اصولاً قاچاق در مناطق مرزی صورت می گیرد و می توان یکی از مهم ترین ویژگی های مناطق مرزی را وجود همین پدیده ذکر کرد. مناطق مرزی که در مرز بین المللی ایران با عراق، در غرب کشور قرار دارند، به اشکال مختلف با پدیده قاچاق کالا ارتباط دارند. نتایج حاصل از مدل این پژوهش در امر پیشگیری از قاچاق کالا کاربرد دارد به ویژه ارگان های فرهنگی و اداره مبارزه با قاچاق کالا و نیروی انتظامی. نتایج حاصل از شاخص های توصیفی نشان داد که عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق در شهرهای مرزی کرمانشاه در سطح معنی دار است. تجانس فرهنگی بر افزایش گرایش به قاچاق کالا تأثیر معنی داری دارد ($P < 0/05$). بدین معنا که تجانس فرهنگی توانسته است بین فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار نقش میانجی گری خود را به طور معنی داری ایفا کند. شدت تأثیر تجانس فرهنگی بر فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار در مرحله اول برابر با $0/118$ و معنی دار است. تجانس فرهنگی بر گرایش به قاچاق کالا از طریق تجانس فرهنگی قابل پیش بینی است. بیشترین ضریب تأثیر مسیر مربوط به فرهنگ سودآوری (ضریب مسیر = $0/68$) و تجانس فرهنگی بین دو مرز (ضریب مسیر = $0/71$) است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های (کهنه پوشی، ۱۳۹۱). همسو بوده و در تبیین این نتایج می توان گفت اصولاً قاچاق در مناطق مرزی صورت می گیرد و می توان یکی از مهم ترین ویژگی های مناطق مرزی را وجود همین پدیده ذکر کرد. مناطق مرزی که در مرز بین المللی ایران با عراق، در غرب کشور قرار دارند، به اشکال مختلف با پدیده قاچاق کالا ارتباط دارند. از طرفی گسترش و ادامه یافتن قاچاق کالا و ارز در درازمدت خود باعث افزایش بیکاری و در نتیجه گسترش فقر خواهد شد. ریشه این تسلسل در آن است که قاچاق کالا و ارز برای تعداد محدودی ایجاد درآمدهای کلان می کند و برای اکثریت افراد فقط کارکرد امرارمعاش را دارد و اشتغال پایدار تنها از مسیر تولید امکان پذیر است و ورود به عرصه قاچاق، اشتغال کاذب و ناپایدار است که هرگز به توسعه مناطق منجر نمی شود از آنجاکه سرمایه های به دست آمده از طریق قاچاق، هر چند کلان نیز باشد، در

خدمت تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و صنعت قرار نمی‌گیرد، در نتیجه به کاهش بیکاری و فقر منجر می‌شود. چرا که این سرمایه‌ها نقشی در ایجاد اشتغال ندارند و منجر به ایجاد اشتغال کاذب و موقتی و زودگذر و بالا بردن نرخ رشد بیکاری می‌شود (Monjon & Quirion, 2010). گستردگی مناطق مرزی، متعدد بودن مبادی ورودی کالاهای قاچاق، رواج فرهنگی مصرفی کالاهای قاچاق در جامعه، نوع دیدگاه مرزنشینان به پدیده قاچاق از جمله عوامل گسترش قاچاق کالا در مرزهای کشور است. وضعیت نامناسب اقتصادی مرزنشینان و رشد و توسعه ناموزون در مناطق مختلف کشور که معلول نوع خاصی از فرایند تاریخی شکل‌گیری دولت-ملت در کشور بوده و باعث شده است تا میزان توسعه مناطق مرزی، نسبت به مرکز بسیار پایین‌تر باشد، از مهم‌ترین عوامل گسترش پدیده قاچاق محسوب می‌شوند. قاچاق کالا از اقسام جرایم اقتصادی است که با توجه به آثار و عواقبی که در سطح اقتصاد ملی دارد، مبارزه با آن به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی کشور محسوب می‌شود و دستگاه‌های متعددی به عنوان متولی مبارزه با قاچاق به فعالیت می‌پردازند. هرچند علت عمده گرایش به قاچاق کالا را باید در بخش‌های مربوط به بازرگانی پیدا کرد؛ ولی همین عوامل ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد که شناسایی این عوامل می‌تواند به ریشه‌یابی قاچاق و حل اساسی این پدیده کمک زیادی کند. تجانس فرهنگی بر گرایش به قاچاق کالا از طریق تجانس فرهنگی قابل‌پیش‌بینی است. بیشترین ضریب تأثیر مسیر مربوط به فرهنگ سودآوری (ضریب مسیر = $0/68$) و تجانس فرهنگی بین دو مرز (ضریب مسیر = $0/71$) است. میزان شاخص RMSEA در حد استاندارد است و مدل گرایش به قاچاق کالا و فرهنگ سودآوری و تضعیف فرهنگ کار با میانجی‌گری تجانس فرهنگی بین دو مرز در شهرهای مرزی استان کرمانشاه دارای برازش است. بیشترین ضریب تأثیر مسیر مربوط به فرهنگ سودآوری (ضریب مسیر = $0/68$) و تجانس فرهنگی بین دو مرز (ضریب مسیر = $0/71$) و تضعیف فرهنگ کار (ضریب مسیر = $0/66$) است. از نتایج کاربردی این پژوهش می‌توان به رابطه معنی‌دار تجانس فرهنگی ساکنین دو منطقه مرز و نیز ارتباط آن با فرهنگ سودآوری موجود در مناطق مرزی اشاره کرد که در گرایش به قاچاق کالا در این پژوهش نقش تأثیرگذاری داشته است و مدل حاصل از این پژوهش می‌تواند در آموزش و پیشگیری فرهنگی در امر گرایش به قاچاق کالا در مناطق مرزی مفید و مؤثر باشد.

پیشنهادهای سیاستی

محتوای برنامه‌های آموزشی مربوط به عوامل فرهنگی قاجاق در تلویزیون و مؤسسات علمی و پژوهشی و دانشگاهی به‌منظور تقویت فرهنگ پیشگیری از قاجاق کالا از یک سو و ایجاد سازوکارهای برنامه‌سازی تلویزیونی از سوی دیگر بیشتر شود.

آمایش سرزمین از منظر توسعه اقتصادی و ایجاد شغل و توسعه کشاورزی و ایجاد صنایع وابسته به فرهنگ مناطق مرزی از سوی دولت و مجلس انجام پذیرد زیرا توسعه‌یافتگی موجبات کاهش به امر قاجاق را به دنبال خواهد داشت.

حمایت دولت برای تقویت فرهنگ اشتغال‌زایی و کسب‌وکارهای موجود به صورت الگو و مدل کاربردی مبدل شود.

پیشنهاد می‌شود متغیرهایی مانند سطوح اقتصادی به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده در پژوهش‌های دیگر مورد بررسی قرارگیرد.

پیشنهاد می‌شود از نتایج این مدل، متغیرهای میانجی در پژوهش‌های آتی محققان در نظر گرفته شود.

فرهنگ‌سازی و رشد سطح آگاهی‌ها، باورها و نگرش‌های اجتماعی راهکاری بنیادی در مواجهه با پدیده قاجاق.

اتخاذ سیاست‌هایی برای کاهش سوددهی و مقرون‌به‌صرفه نبودن و افزایش درصد ریسک قاجاق کالا.

شفافیت در ارائه اطلاعات (اگر اطلاعات بهنگام به مردم ارائه شده و فعالان اقتصادی بتوانند در این مسیر رقابت کنند، قاجاق بی‌معنا خواهد بود، رقابت منجر به کاهش حاشیه سود شده و به مرور، قاجاق سودآوری خود را ازدست خواهد داد).

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

باتوجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و وجود مشکلات اقتصادی در کشور عزیزمان و برای رونق تولید و جهش در این امر مهم، لازم به نظر می‌رسد، عوامل فرهنگی قاجاق کالا مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی در سطوح خرد و کلان لحاظ شود؛ بنابراین این مشکلات که در این پژوهش به آن‌ها اشاره شده است، دغدغه اصلی مدیران اجرایی و سیاسی کشور بوده و خلأ پژوهش‌های جدید در این حوزه نمایان شده است.

لذا پیشنهادهای تحقیقاتی آتی برای پژوهشگران در آینده به قرار ذیل ارائه می‌شود:

♦ پژوهش در زمینه بررسی متغیرهای آمایش سرزمینی و عوامل وابسته به

گرایش قاچاق کالا.

- ❖ پژوهش در زمینه بررسی متغیرهای خطای انسانی در گمرک از نظر مشکلات نیروی انسانی و عوامل وابسته به گرایش قاچاق کالا.
- ❖ پژوهش در زمینه بررسی فرهنگ سازی و رشد سطح آگاهی ها، باورها و نگرش های اجتماعی راهکاری بنیادی در مواجهه با پدیده قاچاق در گمرکات و مناطق مرزی.
- ❖ پژوهش در زمینه بررسی متغیرهای آمایش سرزمینی مناطق مرزی محروم و با درصد بالای بیکاری و نقش آن بر گرایش قاچاق کالا.

منابع و ماخذ

- آرمند، محمدعلی؛ رسولی نژاد، سید پویا (۱۳۹۴) بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی شهر یزد، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، صص ۱ - ۱۹.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی، چاپ دوم. تهران.
- پژویان، جمشید؛ مداح، مجید (۱۳۸۵) بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، صص ۴۳-۷۰.
- پوران، رضا (۱۳۸۸) بررسی علل و آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واردات کالاهای قاچاق در ایران، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم.
- پییر بوردیو (۱۳۸۰) ترجمه مرتضی مودی‌ها، انتشارات، نی، تهران. ص ۱۰.
- تاری، فتح‌الله؛ غلامی باغی، سعید (۱۳۸۹) تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا، ماه‌نامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۴۸ تا ۶۲.
- دهدشتی شاهرخ، زهره؛ قاسمی، حسن؛ سیفی، ابوالفضل (۱۳۸۹) تأثیر کشورگرایی مصرف‌کننده بر قصد خرید کالاهای داخلی، فصلنامه مطالعات مدیریت و بهبود و تحول، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- راموز، ادریس؛ شعاعی، رضا (۱۳۹۷) بررسی پیامدهای قاچاق کالا و ارز بر هویت فرهنگی، دوماهنامه اقتصاد پنهان، دوره جدید، شماره ۱۰ و ۱۱ شماره پیاپی ۲۴ و ۲، آبان تا اسفند ۱۳۹۷.
- ربانی خوراسگانی، رسول؛ رستگار، یاسر (۱۳۸۷) جوان، سبک زندگی و مصرفی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۴۴ - ۵۳.
- سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی، استان کرمانشاه، ۱۳۹۸، صص ۲-۱.
- عزتی، عزت‌الله؛ میرزایی‌پور، هوشنگ (۱۳۹۰) بررسی مناطق مرزی استان کرمانشاه با عراق و نقش آن در اهداف استراتژیک ایران، پاییز، شماره ۱۲؛ مجله علمی-پژوهشی (وزارت علوم) ISC صص ۱۹ تا ۳۴.
- کرسول، جان؛ کالرک، ویکی پالانو (۱۳۹۰) روشهای پژوهش ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش و جاویدسرای، نشر آیت، چ ۳.

کهنه‌پوشی، سید هادی؛ شایان، حمید (۱۳۹۱) بررسی تاثیرات اقتصادی قاچاق کالا بر شهرهای مرزی مطالعه موردی شهر مریوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال سیزدهم، شماره ۲۹، تابستان ۹.

نوری، جعفر (۱۳۸۵) پیامدهای اقتصادی و راهکارهای کنترلی پدیده قاچاق، مجله حقوقی مجد، مجتمع علمی فرهنگی مجد. صص ۵۶-۶۱.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴) مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل. انتشارات سمت. تهران.

Bradbury, S, L. (2010) an assessment of the free and secure trade (FAST) program along the Canada-US border. *Journal of Transport Policy*, 17, 367-380.

Monjon, S. and Quirion, P. (2010) How to design a border adjustment for the European Union emissions trading system? *Journal of Energy Policy*, 38, 5199-5207.

Newman I, Lim J, Pineda F. (2013) Content Validity Using a Mixed Methods Approach: Its Application and Development Through the Use of a Table of Specifications Methodology. *J Mixed Methods Research*.

Tamura, Y. (2010). Migrant smuggling. *Journal of public economics*, 94(7-8), 540-548.

References

- Ahmadi, H. (2000). Ethnicity and Ethnocentrism in Iran,. *Myth and Reality, Tehran: Ney Publishing, Second Edition. Tehran.* (in Persian)
- Aregbeyen, O. (2012). An Investigation of the Severity, Causes, Impact and Actions Against Counterfeiting and Smuggling in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(1), 379-379.
- Armand, M. A. R. N. S. P. (2015). *A Study of the Relationship between Islamic Stylization and Social Vitality and Life Satisfaction in Yazd*, . Paper presented at the Proceedings of the First National Conference on Lifestyle, Order and Security. (in Persian)
- Bradbury, S. L. (2010). An assessment of the free and secure trade (FAST) program along the Canada–US border. *Transport Policy*, 17(6), 367-380.
- Croswell, C., & Gajjar, K. (2007). Mindfulness, laying minds open, and leadership development: An enactive approach to leadership complexity and practical wisdom. Paper presented at the Proceedings from The Interdisciplinary Conference.
- Dehdashti, Z. Q. a. G., Seifi; Abolfazl. (2010). The Effect of Consumer Nationalism on the Purpose of Purchasing Domestic Goods,. *Quarterly Journal of Management and Improvement Studies*,, pp. 115-142. (in Persian)
- Ezzatollahe Ezzati, H. M. P. (2011). Study of Kermanshah province border regions with Iraq and its Role in the Strategic Targets of Iran, . *Quarterly Journal of Human Geography*, 3(4), , 19. (in Persian)
- Gillespie, K., & McBride, J. B. (2013). Counterfeit smuggling: rethinking paradigms of diaspora investment and trade facilitation. *Journal of International Management*, 19(1), 66-81.

- Hurtt, R. K. (2010). Development of a scale to measure professional skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 149-171.
- kohneposh, S. H. S. H. (2012). Investigating the Economic Impacts of Commodity Smuggling on Border Cities: A Case Study of Marivan, . *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, (in Persian)
- Kumar, A., Lee, H.-J., & Kim, Y.-K. (2009). Indian consumers' purchase intention toward a United States versus local brand. *Journal of business research*, 62(5), 521-527.
- Monjon, S., & Quirion, P. (2010). How to design a border adjustment for the European Union Emissions Trading System? *Energy policy*, 38(9), 5199-5207.
- Newman I, Lim J, Pineda F. (2013) Content Validity Using a Mixed Methods Approach: Its Application and Development Through the Use of a Table of Specifications Methodology. *J Mixed Methods Research*.
- Nouri, J. (2006). Economic Consequences and Control Strategies of Trafficking Phenomenon,. *Majd Legal Journal, Majd Scientific and Cultural Complex*. , Pp. 56-61.
- Pajouyan, Jamshid; Madah, Majid (2006) Economic Study of Trafficking in Iran, *Economic Research*, pp. 43-70
- Pornaghdi, B. (2011). Approach to foreign media smuggling and border threats to order and security in Kurdistan province. *journals police*, 1-20.
- Ramoz, I. R. R. (2018). A Study of the Consequences of Commodity and Currency Smuggling on Cultural Identity, . *Hidden Economy Quarterly, New Volume*, , Nos. 10 and 11 Consecutive Nos. 24 and 12. (in Persian)
- Tamura, Y. (2010). Migrant smuggling. *Journal of public economics*, 94(7-8), 540-548.
- Tari, F., & gholami baghi, S. (2010). The Interaction of Culture and Commodity Smuggling, . *Cultural Engineering Monthly, Fourth Year, No. 41 and 42*, pp. 48-62.